

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

در دسرهای پرداخت فطریه آنلاین



رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرایم سایبری پلیس فتای نیروی انتظامی از تبلیغات دروغین و کذب مجرمان سایبری برای دریافت فطریه و کمک‌های مردمی خبر داد. سرهنگ علی نیک‌نفس در این باره گفت: «همزمان با نزدیکی عید فطر و پرداخت زکات آن، متأسفانه افراد سودجو با سوءاستفاده از احساسات انسان دوستانه هموطنان عزیز به دنبال کلاهبرداری از آنان هستند.» او ادامه داد: «این افراد با استفاده از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی و انجام تبلیغات گسترده در این بستر سعی دارند اعتماد کاربران فضای مجازی را جلب کرده و از حساب‌های آنها برداشت غیرمجاز انجام دهند، به همین منظور تبلیغاتی جذاب برای دریافت کمک‌های مردمی و جمع‌آوری فطریه و کفاره روزه با هدف جلب اعتماد کاربران طراحی می‌کنند.»

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elinaz.2714@gmail.com

قصه آدمی از آدم‌های امیدوار

در یکی از ایالات آمریکا کارو کاسبی راه انداخته است و هر از گاهی به کارها رسیدگی می‌کند. خودش را بازنشسته کرده و کارها را به پسرش سپرده است. ۷۰ سال دارد و زندگی همیشه به کامش نبوده است. «مادرم هشت‌ماهه باردار بود که پدرم را از دست دادم و تمام خاطرات کودکی‌ام از مادرم است و بس. مادرم برای تأمین مخارج زندگی خانه یکی از اقوام دور ساکن شد تا هم سقفی بالای سرمان باشد، هم با کارهای خانه درآمدی برای تأمین مخارج زندگی.» علی، مردی قدبلند است که کپولت سن نتوانسته قامتش را خم کند. موهایش یک دست سفید است و تناسب اندامش را حفظ کرده. «از جوانی پیاده‌روی می‌کردم و هنوز این عادت را دارم، برای همین همیشه همین قدر لاغر و کشیده بوده‌ام.» سالی یک‌بار به سرزمین مادری سفر می‌کند و هنوز هم به روستایی که کودکی و نوجوانی‌اش را در آن سپری کرده، سر می‌زند. «سه‌سال بیشتر نداشتیم که مادرم از خانه اقوامش بار سفر را بست تا به روستایی که پدرم اصالتاً به آن تعلق داشت، برویم. هم مادر و هم من در آن روستا غریب بودیم اما مادرم تصمیم گرفته بود روی زمین کشاورزی کار کند و در خانه موروئی پدری ساکن شود.

هر روز صبح مادرم کولم می‌کرد و می‌رفتم زمین کشاورزی. لحظه‌شماری می‌کردم تا آفتاب به درختی که مادر نشانم داده بود، برسد و بقیچه ناهار پهن شود. نان تازه و کمی سبزی و گاهی کشک یا شیر. کودکی‌ام این‌گونه گذشت. ۱۰ سال بیشتر نداشتیم که کار روی زمین کشاورزی سایرین کار اصلی‌ام شد و در مقابل ماهانه مقداری آرد بیه خانه می‌بردم اما همچنان درس خواندن وظیفه اصلی‌ام بود اما نمی‌توانستم سر کلاس حاضر شوم، برای همین مادرم یکی از اتاق‌هایمان را مجانی به سرپاز معلمی که در روستایمان تدریس می‌کرد، داده بود تا شب‌ها به من درس بدهد.

تابستان همان سال که دیپلم گرفتم، راهی تهران شدم و در تعویض روغنی مشغول به کار شدم. درآمد از کار روی زمین‌های کشاورزی بیشتر بود و همین مسأله حس خوبی به من می‌داد و امید را در دلم زنده می‌کرد. پسر و دخترها ازدواج کرده‌اند و نزدیک پدر زندگی می‌کنند تا ۵ نوه قدونیم‌قدش نزدیک پدر بزرگ و مادر بزرگ باشند. «دوران سختی بود، باید در آن شرایط باشید تا متوجه سختی آن شوید. در یکی از خیابان‌های جنوب شهر اتاق کوچکی اجاره کردم و مادرم را پیش خودم آوردم تا از کار سخت مزرعه راحت شود. هرچو کارگری‌ای کردم تا چرخ زندگی بچرخد، تجاری را امتحان کردم، مدتی کارگر ساختمانی بودم، در قصابی وردست ایستادم و شاگرد نانوا هم بودم، البته درس خواندن شب‌ها دیگر برایم عادت شده بود. هیچ امیدي به قبولی در دانشگاه نداشتم، در واقع هیچ درکی از تحصیل در دانشگاه نداشتم. یکی از اقوام خبر قبولی دانشگاهم را داد. برق قبول شده بودم اما چهار سال دانشگاه را هم کار کردم. از کارگری تا دستفروشی.

مادرم تمام این سال‌ها خیاطی کرده بود و آرتوروز گردن گرفته بود و دیگر نمی‌توانست کار کند. تصمیم داشتم دانشگاه که تمام شد، در یکی از شرکت‌ها یا کارخانه‌ها استخدام شوم تا زندگی بهتری برای مادرم مهیا کنم، غافل از اینکه یکی از استادهایم اقدامات اولیه بورسیه‌شدنم را انجام داده است.» تحصیل خارج از کشور فصل جدیدی در زندگی علی بود. «در یکی از دانشگاه‌ها فوق‌لیسانس گرفتم و از آنجایی که مادرم را طی آن سال‌ها از دست داده بودم، دیگر انگیزه‌ای برای برگشت نداشتم و همین‌جا ماندگار شدم.»

زندگی سخت به علی آموخته تا کمک‌حال دیگران باشد. «بخشی از درآمد شرکت مهندسی از همان ابتدا صرف امور خیریه می‌شود و در استفاده‌ها ایرانی‌ها اولویت دارند. سختی بخشی از زندگی است و اصلاً از تعریف کردن زندگی‌ام خجالت نمی‌کشم. زیبایی زندگی به همین بالاو پایین‌هایش است. به قول مادرم آدمی خشت خامی است که در همین سختی‌ها به پختگی می‌رسد.»

«وحید جهان میری نژاد»، رئیس باشگاه سلامت نوجوانان پسر

سال‌هاست که در زمینه پیشگیری از ایدز در کودکان و نوجوانان کار می‌کند

۱۳ سال مقابله با ایدز کودکان

زهر جعفرزاده - شهروند | آخر هفته که می‌شود، بساطش را در پارک‌ها، زباله‌دان‌ها و حاشیه‌ها پهن می‌کند؛ همان‌جا که یک عالم آدم تنگ‌معاش و دردمند دور هم جمعند، کار می‌کنند، موادی می‌کشند و درگیر آسبند. وحید جهان میری نژاد که کارشناس ایدز است و سال‌هاست برای پیشگیری از ابتلا به ایدز کار می‌کند، خوب می‌داند کودکان کار چقدر درگیر بیماری‌اند، می‌داند آمار ایدزشان بالاست و از وضع مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها خبر دارد؛ نه فقط بین کودکان کار که در میان گروه‌های کم‌سن دیگر هم. همین دوروز پیش بود که الهام فخاری که یکی از اعضای شورای شهر تهران است، آماری از شیوع ایدز در میان کودکان داد و گفت که ۴ تا ۵ درصد کودکان کار مبتلا به ایدزند. به گفته او یک سوم کودکان مبتلا به ایدز، ۱۰ تا ۱۴ ساله‌اند و دوسومشان، ۱۵ تا ۱۸ ساله. این تمام داستان نیست، مصرف مواد مخدر هم میانشان بالاست، ۵ درصد کودکان پسر و یک درصد از دختران، سابقه مصرف مواد مخدر دارند. کودکانه که نزدیک به ۱۷ درصدشان اصلاً مدرسه نرفته‌اند. وحید جهان میری نژاد، پزشک عمومی است و از مهرماه سال پیش، مدیریت باشگاه سلامت نوجوانان پسر را عهده‌دار شده؛ جایی که پسران نوجوان در معرض خطر مصرف مواد مخدر و روابط جنسی را دور هم جمع می‌کند، با تیمی که دارد به آنها آموزش مهارت‌های زندگی می‌دهد، تست اعتیاد و ایدز می‌گیرد و آنها را برای زندگی دور از آسیب‌ها آماده می‌کند. بخش مهم‌تری از کار اما بیرون از باشگاه رقم می‌خورد، گود زباله و پارک دانشجویی و حاشیه‌های شهر که درگیر پيشان با آسیب‌ها بالاست، جایی که کودکان کار و ترنس‌ها و مصرف‌کنندگان مواد مخدر گرد هم هستند و دستان یاریگری می‌خواهند. جهان میری نژاد، آخر هفته‌ها با کیفی‌پراز واکسن و کیت‌های تشخیصی ایدز و وسایل پیشگیری به سراغشان می‌رود تا بیش از این، بیماری‌های آمیزشی و ایدز، لجام گسبخته، جلونروند.

باشگاه سلامت نوجوانان پسر، دومین باشگاه در تهران است که به صورت ویژه روی نوجوانان در معرض آسیب کار می‌کند. باشگاه سلامت نوجوانان پسر در منطقه ۱۱ و یکی هم برای دختران در منطقه ۱۸، باشگاه‌هایی هستند که به صورت پیلوت فعالیتشان را شروع کرده‌اند. این باشگاه‌ها مجوز وزارت بهداشت را دارند.

داریم، کودکان و نوجوانانی که ممکن است تجربه کمتری در زمینه مصرف مخدرها و روابط جنسی داشته باشند و نوجوانانی که تجربه خیلی از آسیب‌ها را داشته‌اند. اینها به صورت گروه‌های مختلف، برای آموزش، تفکیک می‌شوند.

• **و آنها را تنها در خیابان پیدا می‌کنید؟**
خیر، ما به مدارس هم می‌رویم، خیابان بخشی از فعالیت ما است، ما با شهرداری هم ارتباط خوبی داریم، سراغ کودکان کار می‌رویم یا در پانوق‌ها، افراد ترنس یا کسانی که اختلال جنسی دارند را پیدا کرده و سعی می‌کنیم به آنها آموزش دهیم.

• **جهان میری نژاد می‌گوید که این باشگاه زده شده، بیشتر از ۳۰۰ تست اچ‌آی‌وی از کودکان و نوجوانان گرفته شده و بیش از ۵۰۰ واکسن هیپاتیت بی» تزریق شده است. او می‌گوید خدماتی که بیرون از باشگاه هیپاتیت بی معمولاً در مدارس به بچه‌ها زده می‌شود، اما چون این کودکان مدرسه نمی‌روند، این واکسن را هم تزریق نکردند.**

• **نوجوانانی که به این باشگاه مراجعه می‌کنند با افرادی که خودتان به سراغشان می‌روید، اغلب درگیر چه آسیب‌هایی هستند؟**

بیشترشان تجربه اعتیاد یا روابط جنسی داشته‌اند، بین‌شان افرادی هم هستند که در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های آمیزشی و مصرف روان‌گردان‌ها و مخدرها قرار دارند. ما در این باشگاه با گروه‌های مختلفی سروکار داریم، و نوجوانانی که ممکن است تجربه کمتری در زمینه مصرف مخدرها و روابط جنسی داشته‌اند، اینها به صورت گروه‌های مختلف، برای آموزش، تفکیک می‌شوند.

• **و آنها را تنها در خیابان پیدا می‌کنید؟**
خیر، ما به مدارس هم می‌رویم، خیابان بخشی از فعالیت ما است، ما با شهرداری هم ارتباط خوبی داریم، سراغ کودکان کار می‌رویم یا در پانوق‌ها، افراد ترنس یا کسانی که اختلال جنسی دارند را پیدا کرده و سعی می‌کنیم به آنها آموزش دهیم.

• **جهان میری نژاد می‌گوید که این باشگاه زده شده، بیشتر از ۳۰۰ تست اچ‌آی‌وی از کودکان و نوجوانان گرفته شده و بیش از ۵۰۰ واکسن هیپاتیت بی» تزریق شده است. او می‌گوید خدماتی که بیرون از باشگاه هیپاتیت بی معمولاً در مدارس به بچه‌ها زده می‌شود، اما چون این کودکان مدرسه نمی‌روند، این واکسن را هم تزریق نکردند.**

• **نوجوانانی که به این باشگاه مراجعه می‌کنند با افرادی که خودتان به سراغشان می‌روید، اغلب درگیر چه آسیب‌هایی هستند؟**

بیشترشان تجربه اعتیاد یا روابط جنسی داشته‌اند، بین‌شان افرادی هم هستند که در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های آمیزشی و مصرف روان‌گردان‌ها و مخدرها قرار دارند. ما در این باشگاه با گروه‌های مختلفی سروکار داریم، و نوجوانانی که ممکن است تجربه کمتری در زمینه مصرف مخدرها و روابط جنسی داشته‌اند، اینها به صورت گروه‌های مختلف، برای آموزش، تفکیک می‌شوند.

آموزش‌ها در نظر گرفته‌ایم، به‌رحال این طرح پایلوت است و می‌توانیم پس از مدتی بررسی کنیم و ببینیم چقدر موفق بوده‌ایم.

باشگاه سلامت نوجوانان پسر، نزدیک به ۱۰۰ عضو ثابت دارد، اما در ۸، ۹ ماهی که از زمان راه‌اندازی‌اش می‌گذرد، به بالای ۲ هزار نفر آموزش داده شده و این از نظر جهان میری نژاد، پزشک جوان باشگاه سلامت، آمار خوبی است.

مشاهدات عینی ما هم نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر و روان‌گردان مثل گل در میان دانش‌آموزان خیلی بالاست. ما از بچه‌ها که می‌پرسیم آنها می‌گویند استفاده از گل خیلی رایج است و این خیلی خطرناک می‌تواند باشد. دغدغه دیگر ما بیماری‌های آمیزشی مثل ایدز و

می‌رسد، جهان میری نژاد می‌گوید که پیشگیری از ابتلا به ایدز، یک سرمایه‌گذاری برای کشور است: «برخی می‌گویند ما مشکلی از نظر ابتلا به ایدز نداریم و آمارمان هم بالا نیست، اما نمی‌دانند که شیب رشد ابتلا در کشور بالاست، به‌ویژه این که روش انتقال، جنسی است.» بنا به گفته این پزشک جوان در کمتر از یک سال گذشته، تیم‌های سیار این باشگاه، دو مبتلا به ایدز را در میان کودکان و نوجوانان آسیب‌دیده شناسایی کرده‌اند که هر دو آنها را به درمان متصل کرده‌اند. «ما تنها دنبال آمارها نیستیم، ما می‌خواهیم در زمینه ابتلا به ایدز، پیشگیری و کنترل اتفاق

باشگاه سلامت نوجوانان پسر، دومین باشگاه در تهران است که به صورت ویژه روی نوجوانان در معرض آسیب کار می‌کند

تزریق واکسن هیپاتیت، انجام تست سریع ایدز، توزیع لوازم پیشگیری و آموزش مهارت‌های زندگی و اطلاع‌رسانی درباره روان‌گردان‌ها از جمله برنامه‌های تیم آموزش و درمان است

نگران رفتارهای پرخطر جنسی و مصرف روان‌گردان‌ها در میان نوجوانان هستیم

عکس: مهدی حسینی / شهر وند

نگرانی تیم این پزشک جوان، مصرف روان‌گردان‌ها و روابط جنسی در میان نوجوانان است: «ما الان خیلی از مصرف گل، بین نوجوانان نگران هستیم، متأسفانه یک سوءتفاهمی رایج شده که گل، یک گیاه است، ضرر ندارد، اعتیاد ندارد، حتی می‌گویند ضدسرطان است، در حالی که این ماده، نوروتوستین است، یعنی برای سلول‌های عصبی درست مانند یک سم عمل می‌کند و به تدریج بخشی از دستگاه عصبی مرکزی را از بین می‌برد و در آینده همین نوجوان‌ها را گرفتار بیماری‌های روحی و روان می‌کند، خیلی از کسانی که در بیمارستان‌های روان بستری هستند، مصرف‌کننده گل و حشیش و شیشه هستند.» به دغدغه‌های جهان میری نژاد، باید موازی کاری میان سازمان‌ها و نهادهای مختلف را هم اضافه کرد؛ از یک طرف آموزش و پرورش، از سوی دیگر بهزیستی و وزارت بهداشت و سازمان‌های مردم‌نهاد.

بافتند

• **حتماً درباره اتفاقی که در یکی از دبیرستان‌های تهران با موضوع آزار جنسی دانش‌آموزان رخ داد، اطلاع دارید، به نظر تان آموزش رفتارهای پرخطر چقدر در مدارس احساس می‌شود؟**

خیلی زیاد. ما در همین زمینه ارتباط‌هایی با آموزش و پرورش ایجاد و آموزش‌مان را با والدین و مشاوران مدرسه شروع کرده‌ایم، ما خیلی سراغ خود دانش‌آموزان نمی‌رویم، این روش در دنیا هم به این شکل است که ابتدا به سراغ والدین می‌روند، آنها را آگاه می‌کنند و بعد خود آن والدین تبدیل به مطالبه‌گر می‌شوند و از سیستم آموزشی می‌خواهند تا برای آموزش دانش‌آموزان اقدام کنند.

• **در این مدتی که روی آسیب نوجوانان کار کرده‌اید، چقدر وضع را بحرانی یا نگران‌کننده می‌بینید؟**

ببینید چند سال پیش مرکز پژوهش‌های مجلس در یک اینفوگرافی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان تهرانی را بررسی کرده بود که در آن میزان خشونت، رفتارهای پرخطر جنسی و استفاده نکردن از وسایل پیشگیری خیلی نگران‌کننده بود. مشاهدات عینی ما هم نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر و روان‌گردان مثل گل در میان دانش‌آموزان خیلی بالاست. ما از بچه‌ها که می‌پرسیم آنها می‌گویند استفاده از گل خیلی رایج است و این خیلی خطرناک می‌تواند باشد. دغدغه دیگر ما بیماری‌های آمیزشی مثل ایدز و اچ‌بی‌وی است.

ایران متعهد شده تا سال ۲۰۲۰، ۹۰ درصد بیماران مبتلا به اچ‌آی‌وی را شناسایی کند، ۹۰ درصد شناسایی شده‌ها را تحت درمان قرار دهد و ۹۰ درصد از بار ویروسی آنها را پایین بیاورد. مافاصله‌ای با سال ۲۰۲۰ داریم اما هنوز شاید تنها ۴۰ درصد از مبتلایان به ایدز شناسایی شده‌اند.